

رابت وانوی، پیامبران بزرگ، درس ۲۷ - حزقیال شماره ۳
حزقیال ۳۶-۳۷ - استخوان‌های خشک و دو عصا، پیشگویی/تحقق

حزقیال ۳۳ - اورشلیم سقوط کرده است

شامگاه پیش از رسیدن آن مرد، دست خداوند بر من بود و دهانم را « در حزقیال ۲۲:۳۳ آمده است در فصل ۳ حزقیال «گشود، پیش از آنکه آن مرد صبحگاه نزد من بیاید پس دهانم باز شد و دیگر ساکت نبودم آمده است که او ساکت خواهد بود. اما در هر صورت، شهر اورشلیم مورد هجوم قرار گرفته است و اکنون کاری که او انجام می‌دهد، پیشگویی در مورد برکت آینده است. بنابراین، می‌توان گفت که مسئله‌ای که مورد بحث بود، حل شده است. حزقیال درست می‌گفت. داوری بر اورشلیم نازل شده بود. داوری دیگری نیز اتفاق افتاده بود. او به تبعیدیان گفته بود: «شما به اورشلیم بر نمی‌گردید، زیرا اورشلیم ویران خواهد شد.» حال که این اتفاق افتاده بود. حزقیال در این مرحله نمی‌گوید: «من به شما گفته بودم «یا آنها را با چنین نگرشی سرزنش نمی‌کند. در عوض، او به آینده روی می‌آورد و به چیزهایی اشاره می‌کند که قرار است در آینده اتفاق بیفتند.

بنابراین در این بخش، از فصل ۳۴ شروع می‌کنیم و به آینده گزیده‌هایی از حزقیال ۳۶ در متن (بازسازی) نگاه می‌کنیم. می‌خواهم دوباره چند گزیده از یک بخش را انتخاب کنم؛ متوجه می‌شوید که یکی از آنها فصل ۳۶ است. این فصل نسبتاً طولانی است، اما ۳ آیه وجود دارد که قطعاً برجسته هستند و آنها آیات ۲۵ تا ۲۷ هستند که من آب پاک را بر شما خواهم پاشید و شما پاک خواهید شد. من شما را از تمام ناخالصی‌ها و « در آنها می‌خوانیم از تمام بت‌هایتان پاک خواهم کرد. من به شما قلبی تازه خواهم داد و روح تازه‌ای در شما خواهم نهاد. من قلب سنگی شما را از شما دور کرده و قلبی گوشتی به شما خواهم داد. و روح خود را در شما خواهم نهاد و شما را به «. پیروی از فرامین من و مراقبت از حفظ قوانینم سوق خواهم داد

حالا، وقتی آیه‌ای از این دست را جدا از متنشان می‌خوانید، فکر می‌کنم تقریباً می‌توان گفت که این توصیفی از تولد تازه است، اگر پیش‌بینی تولد تازه نباشد. به نظر می‌رسد که دقیقاً آنچه را که ما در رابطه با تولد تازه و تجدید حیات تجربه می‌کنیم، توصیف می‌کند.

اما این آیات چه ارتباطی با متن دارند؟ نکته جالب همین است. اگر به آیه ۲۴ و ابتدای آیه ۲۸ نگاه کنید، زیرا شما را از « تقریباً یک پرائنز دور آن سه آیه ۲۵ تا ۲۷ تشکیل می‌دهند. در فصل ۳۶، آیه ۲۴ آمده است و در « میان ملت‌ها بیرون می‌آورم؛ شما را از همه کشورها جمع می‌کنم و به سرزمین خودتان باز می‌گردانم فصل ۲۸ آمده است: «و در سرزمینی که به پدرانتان دادم ساکن خواهید شد و قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود.» بنابراین، آنها در چارچوب بازگشت اسرائیل به سرزمینی قرار دارند که خداوند این کار را انجام خواهد داد - به آنها قلبی تازه خواهد بخشید و روح خود را در آنها قرار خواهد داد.

حال سوال این است: در این آیات چه چیزی توصیف شده است؟ آیا این امر محقق شده است یا هنوز محقق نشده است؟ وقتی به تاریخچه تفسیر این متن با مفسران نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که مفسران در مورد III: B چگونگی ارزیابی این موضوع اختلاف نظر دارند. فکر می‌کنم در کتابشناسی شما، ما زیر شماره رومی مفسر هلندی، جلد 2 تفسیر حزقیال او، 'DCH Aalders'، صفحه 7 کتابشناسی شما هستیم. من در اولین مدخل، 1. را دارم. متأسفانه به زبان هلندی نوشته شده است، اما از بسیاری جهات تفسیر بسیار مفیدی است. در اینجا چیزی در صفحه 194 می‌گوید: "این یک وعده غنی از بازسازی است که با بازگشت اسارت Aalders است که آشوریان و بابلی‌ها به تحقق پیوست. با این اوصاف، باید به ویژه به تغییر کامل دیدگاهی که توصیف شده است توجه شود - به ویژه بهبود اخلاقی و مذهبی به عنوان کار روح خدا، و پایان اعمال بت‌پرستانه‌ای که دائماً باید توسط پیامبران قبل از اسارت سرزنش می‌شدند." می‌بینید، منظور آلدز این است که این امر محقق شده است، و این امر در بازگشت از اسارت محقق شد و بنابراین بر بازگشت به سرزمین تأکید دارد.

اما شما، ای کوه‌های اسرائیل، «: اما بیایید به آیه ۸ برگردیم. من فصل ۳۶، آیات ۸ تا ۱۵ را می‌خوانم برای قوم من اسرائیل شاخه‌ها و میوه‌ها خواهید آورد، زیرا آنها به زودی به خانه باز خواهند گشت. من نگران شما هستم و با لطف به شما نگاه خواهم کرد. شما شخم زده و کاشته خواهید شد و تعداد مردم شما، یعنی تمام خاندان اسرائیل را افزایش خواهم داد. شهرها مسکونی خواهند شد و ویرانه‌ها بازسازی می‌شوند. تعداد انسان‌ها و حیوانات شما را افزایش خواهم داد و آنها بارور و کثیر خواهند شد. من مانند گذشته مردم را بر شما ساکن خواهم کرد و شما را بیش از پیش موفق خواهم ساخت. آنگاه خواهید دانست که من خداوند هستم. من مردم، قوم من اسرائیل، را بر شما سوار خواهم کرد. آنها شما را تصرف خواهند کرد و شما میراث آنها خواهید بود. دیگر هرگز آنها را از فرزندان شما محروم نخواهید کرد. این همان چیزی است که خداوند متعال می‌گوید: «چون مردم به شما می‌گویند: شما انسان‌ها را می‌بلعید و قوم خود را از فرزندان شما محروم می‌کنید»، بنابراین دیگر انسان‌ها را نمی‌بلعید و قوم خود را بی‌فرزند نخواهید کرد.» خداوند متعال می‌فرماید: «دیگر طعنه‌های قوم‌ها را به تو نخواهم.» شنید و دیگر تو مورد تمسخر قوم‌ها قرار نخواهی گرفت و باعث سقوط قوم خود نخواهی شد.

حالا به طور خاص به چند آیه آخر آن بخش، مثلاً آیه ۱۴، توجه کنید که درباره سرزمین کنعان صحبت می‌کند. «دیگر مردم را نخواهید بلعید.» منظور از بلعیدن مردم چیست؟ اگر به اعداد ۱۳:۳۲ نگاه کنید، می‌گوید و آنها در میان بنی اسرائیل خبر بدی درباره سرزمینی که کاوش کرده بودند، پخش کردند. آنها گفتند - این «سرزمینی که ما کاوش کردیم، ساکنان آن را -- جاسوسانی بودند که برای جاسوسی به سرزمین رفته بودند ببینید، جاسوسان از رفتن به سرزمین کنعان می‌ترسیدند. می‌بلعد. همه مردمی که در آنجا دیدیم، جثه بزرگی دارند به نظر من خداوند.» سرزمینی که ما کاوش کردیم، ساکنان آن را می‌بلعد.» زیرا از شکست خوردن می‌ترسیدند.» در اینجا در حزقیال می‌گوید که این سرزمین دیگر مردم را نخواهد بلعید؛ دیگر در آنجا جنگی نخواهد بود. بنابراین، دیگر مردم را نخواهید بلعید و ملت خود را بی‌فرزند نخواهید کرد.» خداوند متعال می‌گوید.» دیگر

طعنه‌های ملت‌ها را به تو نخواهم شنید، و دیگر تو مورد تمسخر مردم قرار نخواهی گرفت و باعث سقوط ملتت این سرزمینی نخواهد بود که توسط بیگانگان تسخیر شود یا مورد . نخواهی شد .» این فرموده‌ی خداوند متعال است . تاخت و تاز قرار گیرد .

من شما را از تمام « :اگر به متن زیر مراجعه کنید، به حزقیال ۲۹:۳۶ و آیه ۲۹ بعد از آن نگاه کنید ناپاکی‌هایتان نجات خواهم داد . غله را خواهم طلبید و آن را فراوان خواهم کرد و قحطی را بر شما نخواهم آورد . میوه درختان و محصولات مزرعه را فراوان خواهم کرد تا دیگر به دلیل قحطی در میان ملت‌ها رسوا نشوید . آنگاه راه‌های بد و اعمال زشت خود را به یاد خواهید آورد و از گناهان و اعمال زشت خود متنفر خواهید شد . خداوند متعال می‌گوید : می‌خواهم بدانید که من این کار را به خاطر شما انجام نمی‌دهم . ای خاندان اسرائیل، از رفتار خود شرمنده و خجالت زده شوید ! خداوند متعال چنین می‌گوید : روزی که شما را از تمام گناهانتان پاک کنم، شهرهای شما را آباد خواهم کرد و ویرانه‌ها بازسازی خواهند شد .»

روزی که شما را از تمام گناهانتان پاک کنم، شهرهایتان را آباد « :توجه کنید که خدا چه خواهد کرد خواهم کرد و ویرانه‌ها بازسازی خواهند شد . سرزمین ویران به جای اینکه در نظر همه کسانی که از آن عبور می‌کنند، ویران بماند، آباد خواهد شد . آنها خواهند گفت: « این سرزمین که ویران شده بود، مانند باغ عدن شده است . شهرهایی که ویران، متروک و ویران شده بودند، اکنون مستحکم و مسکونی شده‌اند . آنگاه ملت‌های اطراف شما که باقی مانده‌اند، خواهند دانست که من، خداوند، آنچه را که ویران شده بود، بازسازی کرده‌ام و آنچه را که ویران شده «. بود، دوباره کاشته‌ام . من، خداوند، گفته‌ام و این کار را خواهم کرد

خداوند متعال چنین می‌گوید : بار دیگر به التماس خاندان اسرائیل گوش فرا خواهم داد و این را برای « ایشان به جا خواهم آورد : قوم ایشان را مانند گوسفندان، مانند گله‌های قربانی در اورشلیم در اعیادش، بی‌شمار «. خواهم ساخت . آنگاه شهرهای ویران از گله‌های مردم پر خواهند شد . آنگاه خواهند دانست که من خداوند هستم فکر می‌کنم کسی که در زمان حزقیال به این پیام گوش می‌داد، ممکن است فکر کند که این اتفاق در آینده‌ای نه چندان دور، در زمان بازگشت از تبعید - ۷۰ سالی که قرار بود در تبعید باشند - رخ خواهد داد

شاید بگویید که می‌توانید برخی از فراتر از بازگشت از تبعید - کلیسا یا بازگشت آینده اسرائیل به سرزمینش جنبه‌های این امر را در بازگشت از تبعید ببینید، اما فکر نمی‌کنم این به اندازه کافی تمام جزئیاتی را که در اینجا ذکر شده است، توضیح دهد . به نظر من باید جای دیگری را جستجو کنید، به خصوص وقتی فصل ۳۶، آیه ۱۴ را می‌خوانید که می‌گوید این سرزمین دیگر انسان‌ها را نخواهد بلعید . آیه ۳۵ را بخوانید: « این سرزمین که ویران بود، مانند باغ عدن شده است . ویرانه‌های شهرهای ویران شده، مستحکم شده‌اند «. به نظر من نمی‌توان گفت که وضعیت کنعان پس از بازگشت از تبعید، آن شرایط را برآورده کرده است . پس از بازگشت از تبعید، بی‌نظمی مداومی در سرزمین وجود داشت و جنگ ادامه یافت، به خصوص وقتی به زمان دانیال که او توصیف کرده است

فکر می‌کنید، که به زمان آنتیوخوس اپیفان از دوره مکابیان اشاره دارد. شهرها ساخته نشده بودند و مکان‌های متروک مسکونی بودند، و مطمئناً آن سرزمین شبیه باغ عدن به نظر نمی‌رسید.

خب، در هر صورت، اگر حزقیال ۳۶، آیات ۲۵ تا ۲۷ را بخوانید، به اصل مطلب این فصل برمی‌گردید که در متن، بازگشت به سرزمین است. اما فکر می‌کنم می‌توان گفت که این فصل، توصیف می‌کند که مسیحی چیست و در نقطه تولد دوباره چه چیزی از خداوند دریافت می‌کند. سپس می‌توانید این سوال را بپرسید که آیا این توصیفی از آغاز کلیسای مسیحی است؟ آیا باید در آنجا به دنبال تحقق آن باشید؟ آیات ۲۵ تا ۲۷، پیش‌بینی از آغاز کلیسا است؟ اگر چنین است، با متن چه می‌کنید؟ یا توصیفی از برخورد خدا با ملت اسرائیل است که تا حدی بسیار بزرگتر از آنچه قبلاً در آینده داشته است، خواهد بود؟ در این زمان آینده، آن ملت دوباره برقرار خواهد شد و قوم یهود به سرزمینی که به آنها، به ابراهیم و فرزندان او وعده داده بود، بازگردانده خواهند شد.

به نظر من، به ویژه فصل ۳۶، آیات ۱۲ تا ۱۵، و آیات ۳۳ تا ۳۸، همانطور که اشاره کردم، نشان می‌دهد که نمی‌توانیم تحقق کافی را در بازگشت از تبعید بیابیم. همچنین اگر سعی کنید تحقق آیات ۲۵ تا ۲۷ را در کلیسا بیابید، این موضوع حق مطلب را در مورد تأکید بر بازگشت به سرزمین ادا نمی‌کند. بنابراین به نظر من تنها گزینه این است که به دنبال تحقق آینده این پیشگویی در ارتباط با بازگشت اسرائیل به سرزمین باشیم. بنابراین به نظر من این یک متن قوی برای جستجوی بازگشت آینده قوم یهود به سوی خداوند در سرزمینی است که او آنها را به آنجا باز خواهد گرداند.

به صفحه ۵۰ استنادات خود نگاه کنید؛ یک کتاب کوچک از الیسون - کلیسا و عهد جدید (ارمیا ۳۱-۳۴) اچ. ال. الیسون به نام *حزقیال: مرد و پیام او وجود دارد* - این کتاب در کتابشناسی شما موجود است. اما به صفحه ۵۰ استنادات خود، نیمه دوم صفحه، از صفحات ۱۲۹-۱۳۰ نیز نگاه کنید. او در حال اظهار نظر در مورد این متن است. او می‌گوید: «با این حال، باید چند دقیقه مکث کنیم تا سوالی را که ممکن است در ذهن برخی از خوانندگان در حال شکل‌گیری باشد، بررسی کنیم. آیا حزقیال در واقع در این فصل‌ها در مورد کلیسا پیشگویی نمی‌کند؟ آیا کلیسا اسرائیل جدید نیست؟ و تا آنجا که به یهودی تصور می‌شود، آیا این وعده‌ها از نظر معنوی برای او هنگامی که تغییر دین می‌دهد و عضو کلیسا می‌شود، محقق نمی‌شوند؟ فراتر از بی‌احتیاطی یا سوال است که «...آنچه خداوند در حزقیال ۳۶: ۲۴-۲۷ و ارمیا ۳۱-۳۴ به اسرائیل وعده می‌دهد

می‌بینید، ارمیا ۳۱-۳۴ و عهد جدیدی را می‌دهد. این بسیار شبیه به آیات ۲۵، ۲۶ و ۲۷ است. به نظر می‌رسد که هر چه این دو متن در مورد آن صحبت می‌کنند، در مورد یک چیز صحبت می‌کنند. الیسون ادامه می‌دهد: «فراتر از بی‌احتیاطی یا تردید است که آنچه خداوند به اسرائیل وعده می‌دهد، همان چیزی است که او برای ما در عیسی مسیح انجام داده است. تحقق وعده برای اسرائیل نه می‌تواند بزرگتر باشد و نه کوچکتر و نه متفاوت از ما. با این حال، قابل توجه است که عبارت اول، یعنی عبارت حزقیال، در عهد جدید نقل نشده است و

دومی، یعنی عبارت ارمیا ۳۱، پس از مرقس ۱۴:۲۴ قرار دارد و در عبرانیان ۸:۸-۱۲ و ۱۰:۱۶ نیز به موازات آن آمده و نقل شده است «این اشاره به عبارت عهد جدید است. اما او می‌گوید: این عبارت به جای تحقق، به صورت توصیفی ارائه شده است «فکر می‌کنم حق با اوست». منظورم این است که هیچ اشاره‌ای وجود ندارد که «و عده در لذت بردن کلیسا از آن به پایان رسیده باشد»

آنچه دقیقاً در ارمیا ۳۱ و عده داده شده است، همان چیزی است که ما به عنوان مؤمنان «مشکل با» دیدگاه کلیسا به مسیح، به عنوان اعضای کلیسا تجربه می‌کنیم. این چیزی است که ما تجربه می‌کنیم، اما این متن به طور خاص پیش‌بینی نمی‌کند که ما در نوعی نعمت شرکت کرده‌ایم. بنابراین، این به جای تحقق، از نظر توصیف ارائه شده است. منظورم این است که هیچ پیشنهادی وجود ندارد که در لذت بردن کلیسا از وعده‌ها به پایان رسیده باشد. ما از آنچه دقیقاً در اینجا توصیف شده است، لذت می‌بریم. ما این ادعا را که وعده‌های داده شده تحت عهد عتیق به سطح جدیدی ارتقا یافته و در عهد جدید تحقق یافته‌اند، زیر سوال نمی‌بریم. این بدان معناست که زبانی که در آن وعده داده می‌شود، نباید به عنوان نمادین و نه تحت‌اللفظی در نظر گرفته شود.

اما تشخیص ماهیت نمادین بسیاری از وعده‌های نبوی یک چیز است، و روحانی کردن آن به گونه‌ای که «معنایی کاملاً متفاوت از آنچه می‌توانسته برای شنوندگان اصلی داشته باشد، داشته باشد، چیز دیگری است. انتقال تصاویر نمادین دشوارتر از آن چیزی است که بسیاری فکر می‌کنند، و از این رو، ماهیت به شدت مادی‌گرایانه بسیاری از تفاسیر نبوی مدرن نیز چنین است. اما روحانی کردن کتاب مقدس به ندرت یک فرآیند معنوی است. این «معمولاً جایگزینی دیدگاه‌های خود مفسر به جای آموزه‌های کتاب مقدس است»

مگر اینکه «در بالای صفحه ۵۱»، او بتواند وزن کامل را بدهد «- فکر می‌کنم جمله خوبی است -» اگر وزن کامل را به سرزمین دگرگون‌شده اسرائیل در فصل ۳۶ و به رستاخیز ملی اسرائیل در فصل ۳۷ بدهد، مفسر حق ندارد اسرائیل و عهد عتیق را به نفع کلیسا از تصویر حذف کند. «به عبارت دیگر، منظور او این است که فکر نمی‌کند حتی اگر ما از برکات تجدید حیات شرح داده شده در فصل ۳۶، آیات ۲۵ تا ۲۷ لذت ببریم، درست نیست که به سادگی بقیه فصل ۳۶ را در مورد بازگشت به سرزمین معنوی کنیم. او می‌گوید که همه اینها به نوعی به معنای معنوی در مورد کلیسا صدق می‌کند. با این حال، تأکید زیادی بر بازگشت اسرائیل به سرزمین وجود دارد. شما باید در مورد آن انصاف را رعایت کنید». بنابراین، مگر اینکه بتوانید وزن کامل را به سرزمین دگرگون‌شده اسرائیل و رستاخیز ملی اسرائیل بدهید، مفسر حق ندارد اسرائیل عهد عتیق را به نفع کلیسا از تصویر حذف کند «از سوی دیگر، ما هیچ الزامی نداریم که با ورود به بحث دشوارترین مسئله، یعنی رابطه قوم قدیم خدا با قوم جدید، قوم نجات‌یافته، و «تمام اسرائیل» «رومیان ۱۱:۲۶ (به عنوان بدن مسیح، کل تعادل هر دو را مخدوش کنیم»

نوعی پیوستگی و گسستگی خاص در اینجا وجود در مورد پیوستگی و گسستگی (حزقیال ۳۶ و ارمیا ۳۱) دارد. دقیقاً چگونه می‌توانیم این را بفهمیم؟ اما من فکر می‌کنم تأکید او درست است که تأکید زیادی بر بازگشت به سرزمین و نوع وضعیتی که هنگام بازگشت اسرائیل به سرزمین وجود خواهد داشت، وجود دارد: بازسازی شهر هایش، تبدیل شدن به باغ عدن، و دیگر ساکنان آن را مصرف نکردن. شما نمی‌توانید صرفاً با گفتن اینکه این یک پیشگویی کلیسا است، حق مطلب را در مورد آن ادا کنید. به عبارت دیگر، همانطور که او پیشنهاد می‌کند، آنچه در ارمیا ۳۱ آمده است، وقتی در عبرانیان ۸ و ۱۰ نقل شده است، بیشتر از نظر توصیف بیان شده است تا تحقق. به پاراگراف دوم مراجعه کنید، «منظورم این است که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وعده در لذت کلیسا از آن به پایان رسیده باشد.» کلیسا دقیقاً از آن لذت می‌برد - این توصیف چیزی است که کلیسا از آن لذت می‌برد. اما به طور خاص پیش‌بینی‌کننده وضعیت بازگشت اسرائیل به سرزمین است. باز هم، وقتی به ارمیا ۳۱ نگاه می‌کنیم، در زمینه بازگشت به سرزمین است. این همان وعده‌ای است که در حزقیال ۳۶ آمده است. اما این وعده‌ها به عنوان نمونه‌ای از برکات صلحی که کلیسا از آن برخوردار است، عمل می‌کنند.

اگر به ارمیا ۳۱ نگاه کنید، فکر می‌کنم در متن، همان مشکلی که در حزقیال ۳۶ وجود دارد، وجود دارد. و سپس آن را توصیف می‌کند. «با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد جدیدی ببندم آیه ۳۱ می‌گوید:» هنگامی که این همان چیزی است که خداوند «- که بسیار شبیه به این متن در حزقیال است، اما در آیه ۳۵، درست پس از آن می‌گوید، آن که خورشید را در روز می‌تاباند، آن که ماه و ستارگان را در شب می‌تاباند، آن که دریا را به خروش می‌آورد تا امواجش غرش کنند - خداوند متعال نام اوست:» اگر این فرمان‌ها از نظر من ناپدید شوند، فرزندان خداوند وجود مداوم اسرائیل به «اسرائیل هرگز از بودن به عنوان یک ملت در برابر من دست نخواهند کشید عنوان یک ملت را با توصیف خلقت خورشید و ماه مرتبط می‌کند و اندازمگیری زمان‌ها، روزها، فصل‌ها و سال‌ها خداوند چنین می‌گوید: «را فراهم می‌کند. تا زمانی که روزها وجود دارند، ملت اسرائیل نیز وجود خواهد داشت تنها اگر آسمان‌های بالا را بتوان سنجید و بنیادهای زمین پایین را جستجو کرد، من همه فرزندان اسرائیل را به بنابراین، باز هم زمینه‌ی مطالب کاملاً قوی. خاطر تمام کارهایی که کرده‌اند، رد خواهم کرد.» خداوند می‌گوید است، آنچه در آنجا گفته می‌شود، به طور خاص پیش‌بینی چیزی است که قرار است توسط اسرائیل تجربه شود. اما این همچنین توصیفی از چیزی است که ما به عنوان کلیسا نیز در حال حاضر از آن لذت می‌بریم، همانطور که عبرانیان به وضوح بیان می‌کند و همانطور که خود عیسی با گفتن «این عهد جدید در خون من است» در شام خداوند تأیید می‌کند. آنچه در آن متن عهد جدید توصیف شده است، در حال حاضر در کلیسا وجود دارد. اما آنچه به طور خاص در زمینه‌ی آن متن در مورد قوم اسرائیل پیش‌بینی شده است، هنوز در آینده است. بنابراین ما از آن لذت می‌بریم، اما از نظر توصیف نه تحقق نبوی.

من می‌گویم، شما ارمیا ۳۱، حزقیال ۳۶ را دارید، این استفاده از عهد جدید از ارمیا ۳۱ و حزقیال ۳۶

پیشگویی است، این جدول زمانی است. به نظر من، این به زمانی اشاره دارد که اسرائیل به سرزمین خود باز می‌گردد. بنابراین، این به طور خاص آن را پیش‌بینی می‌کند. منظور از کلمات آن متون همین است. حالا، در جایی، کلیسا را داریم. دقیقاً همان چیزی که در اینجا توصیف شده، مورد لذت کلیسا قرار می‌گیرد. با این حال، این پیشگویی مستقیماً در مورد کلیسا صحبت نمی‌کند. بلکه در مورد اسرائیل صحبت می‌کند. وقتی عبرانیان از متن ارمیا نقل قول می‌کنند، این کار را از نظر توصیف انجام می‌دهد، نه از نظر تحقق پیش‌بینی. وقتی حزقیال ۳۶ را می‌خوانید، که در عهد جدید نقل نشده است، من آن را از نظر توصیف می‌بینم. آیات ۲۵ تا ۲۷ دقیقاً آنچه را که ما از آن لذت می‌بریم توصیف می‌کنند. با این حال، در مورد آنچه اسرائیل در آینده از آن لذت خواهد برد صحبت می‌کند. بنابراین فکر می‌کنم از نظر توصیف، می‌توانید این را در مورد کلیسا به کار ببرید. اما به طور خاص در مورد کلیسا صحبت نمی‌کند. این در مورد اسرائیل پیش‌بینی می‌کند. به نظر من، ما از همان چیزهایی که در آنجا توصیف شده‌اند، لذت می‌بریم. ما می‌توانیم این کار را با مجوز عهد جدید بر اساس این نقل قول از متن ارمیا از نظر توصیف انجام دهیم. این توصیف چیزی است که ما از آن لذت می‌بریم. اما به طور خاص برای کلیسا پیش‌بینی نشده است. شاید این یک مرز باریک باشد، اما به نظر من تمایز معتبری است.

اگر به صفحه 51 در نقل قول‌های خود نگاه کنید، چند جمله از جی. بارتون پین در *دایره المعارف* گزینه 3 پیشگویی *کتاب مقدس* در مورد متن حزقیال 36 وجود دارد. توجه کنید که او چه می‌کند، او این را به عنوان بازگشت از تبعید به اندازه کافی جالب در نظر می‌گیرد. او می‌گوید: "زیرا این بخش از حزقیال 36 پس از تبعید است." او در مورد آیات 26 و 28 صحبت می‌کند. به ویژه به آیه 18 در مورد پیش از بت‌پرستی یهودا توجه کنید، و به دنبال آن آیه 25 با حذف همان بت‌پرستی توسط خدا به عنوان یک مشکل قبل از میلاد. "به عبارت دیگر، او چه می‌گوید؟ بت‌پرستی قبل از تبعید برای قوم یهود یک مشکل بود، نه پس از تبعید." من آب پاک بر شما خواهم پاشید و شما را از همه بت‌هایتان پاک خواهم کرد. «و آیه ۲۹، در صفحه ۱۱۱ و بالاتر - که «خدا به انسان‌ها قلب‌های جدید خواهد داد و روحی در آنها خواهد نهاد، نه در آینده‌ای تاریک و دور، بلکه در روزهای بازگشت از تبعید و بازسازی اورشلیم. این فوریت از متن کاملاً واضح است.» «خب، در مورد آیه ۳۳ چطور؟ شما را در شهرها ساکن می‌کند و آنها ساخته خواهند شد.» «و فصل ۳۶ آیه ۳۵، «ویران مانند باغ عدن خواهد شد.» او با این چه می‌کند؟ او می‌گوید آیه ۳۵ اغراق‌آمیز است، «می‌گوید سرزمین مانند باغ عدن خواهد شد، اما همانطور که در سطرهای بعدی توضیح داده شده است، این بدان معناست که شهرهای حاکم مستحکم و مسکونی هستند. تحقق... برای یهودیان در حال بازسازی رخ می‌دهد.» «خب، دوباره فکر می‌کنم سخت است که در مورد چنین متونی کاملاً جزم‌اندیش باشیم، مطمئناً جایی برای اختلاف نظر وجود دارد. با این حال، به نظر من، توسل به اغراق، حق مطلب را در مورد زمینه‌های بزرگتر قبل و بعد مانند حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷ ادا نمی‌کند. بنابراین سه گزینه وجود دارد، ۱) (بازگشت از تبعید، ۲) (معنوی کردن آن به گونه‌ای که در مورد کلیسا صدق می‌کند، یا ۳)

جستجوی تحقق آینده و بازگشت واقعی به سرزمین و همزمان اعمال لذت کلیسا از برکاتی که به طور خاص در
شرح داده شده است ۲۷-۲۵.

حزقیال ۳۷ استخوان‌های خشک و نشان دو عصا

بیابید به فصل ۳۷ کتاب حزقیال برویم. در فصل ۳۷، ده آیه اول آشنا هستند، در حالی که بقیه فصل
احتمالاً چندان آشنا نیست. در فصل ۳۷ دو پیشگویی در مورد آینده وجود دارد. اولین مورد، پیشگویی
استخوان‌های خشک در آیات ۱ تا ۱۴ است. من می‌گویم که این احتمالاً به دلیل عبارت معنوی سیامپوستان مشهور
است - "استخوان لگن به استخوان ران متصل است، استخوان ران به استخوان ساق متصل است" و غیره. اما
بخش دوم آن چندان آشنا نیست. من سرود معنوی مربوط به بخش دوم را نمی‌دانم - علامت دو عصا که به هم
متصل شده‌اند.

آلدرز با فصل ۳۶ انجام داده حدس بزنید، او هم همانطور که ممکن است بر اساس کاری که
پیشگویی‌های مربوط به استخوان‌های خشک و هم دو عصا را به شرایطی که در بازگشت از تبعید رخ می‌دهد،
اشاره می‌کند. بنابراین شما در فصل ۳۷ با همان مسائلی روبرو هستید که در فصل ۳۶ داشتید. بیابید به خود متن
دست خداوند بر من بود و مرا به وسیله روح خداوند بیرون آورد و در میان دره‌ای قرار «نگاه کنیم. فصل ۳۷
داد؛ پر از استخوان بود. او مرا در میان آنها به این سو و آن سو برد و استخوان‌های زیادی را در کف دره دیدم،
استخوان‌هایی که بسیار خشک بودند. او از من پرسید: «ای پسر انسان، آیا این استخوان‌ها می‌توانند زنده شوند؟»
گفتم: «ای خداوند متعال، تنها تو می‌دانی.» سپس به من گفتم: «برای این استخوان‌ها نبوت کن و به آنها بگو: ای
استخوان‌های خشک، کلام خداوند را بشنوید! خداوند متعال به این استخوان‌ها چنین می‌گوید: من نفس را به شما
وارد می‌کنم و شما زنده خواهید شد.» من به تو رگ‌ها خواهم بست و گوشت بر تو خواهم آورد و تو را با پوست
خواهم پوشانم. من در تو روح خواهم نهاد و تو زنده خواهی شد. آنگاه خواهی دانست که من یهوه هستم.» پس من
چنانکه فرمان یافته بودم، نبوت کردم. و چون نبوت می‌کردم، صدایی، صدای تق‌تق، آمد و استخوان‌ها، استخوان
به استخوان، به هم پیوستند. نگاه کردم و رگ‌ها و گوشت بر آنها ظاهر شد و پوست آنها را پوشاند، اما روحی در
آنها نبود. آنگاه او به من گفت: «به روح نبوت کن؛ ای پسر انسان، نبوت کن و به آن بگو: خداوند متعال چنین
می‌گوید: ای روح، از بادهای اربع بیا و به این کشتگان بدم تا زنده شوند.» پس من چنانکه به من فرمان داده بود،
نبوت کردم و روح به آنها وارد شد. آنها زنده شدند و بر پاهای خود ایستادند - لشکری عظیم. سپس او به من گفت:
ای پسر انسان، این استخوان‌ها تمام خاندان اسرائیل هستند. آنها می‌گویند: «استخوان‌های ما خشک شده‌اند و امید
ما از بین رفته است.» ما بریده شده‌ایم.» بنابراین، نبوت کن و به ایشان بگو: «خداوند متعال چنین می‌گوید: ای قوم
من، من قبرهای شما را خواهم گشود و شما را از آنها بیرون خواهم آورد؛ شما را به سرزمین اسرائیل باز خواهم
گرداند. آنگاه شما، قوم من، خواهید دانست که من خداوند هستم، وقتی قبرهای شما را بگشایم و شما را از آنها

بیرون بیاورم. روح خود را در شما خواهم نهاد و شما زنده خواهید شد و شما را در سرزمین خودتان ساکن خواهم پس این اولین «کرد. آنگاه خواهید دانست که من، خداوند، سخن گفته‌ام و آن را انجام داده‌ام، خداوند می‌گوید پیشگویی در مورد استخوان‌های خشک است

سپس در فصل ۳۷، آیه ۱۵ و بعد از آن، این پیشگویی در مورد حزقیال ۱: ۳۷ به بعد -- پیشگویی دو عصا کلام خداوند بر من نازل شد: ای پسر انسان، عصای چوبی بردار و بر آن «اتصال دو عصا را خواهید دید بنویس»: متعلق به یهودا و بنی‌اسرائیل وابسته به او «سپس یک عصای چوبی دیگر بردار و روی آن بنویس: عصای افرایم، متعلق به یوسف و تمام خاندان اسرائیل وابسته به او. «آنها را به هم وصل کن تا در دستت یکی» شوند. وقتی هموطنانت از تو بپرسند: آیا منظورت را از این نمی‌گویی؟ «به آنها بگو»: خداوند متعال چنین می‌فرماید: من عصای یوسف را که در دست افرایم است و عصای قبایل بنی‌اسرائیل وابسته به او را می‌گیرم و آن را به عصای یهودا وصل می‌کنم و آنها را یک عصای چوبی می‌سازم و در دست من یکی می‌شوند «عصاهایی را که روی آنها نوشته‌ای، جلوی چشمانشان بگیر و به آنها بگو»: خداوند متعال چنین می‌فرماید: من بنی‌اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به آنجا رفته‌اند، بیرون خواهم آورد. من آنها را از همه جا جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان باز خواهم گرداند. من آنها را در سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت. یک پادشاه بر همه آنها خواهد بود و آنها دیگر هرگز دو ملت نخواهند بود و به دو پادشاهی تقسیم نخواهند شد. آنها دیگر خود را با بت‌ها و تصاویر زشت و یا با هیچ یک از گناهانشان نجس نخواهند کرد، زیرا من آنها را از همه ارتدادهای گناه آلودشان نجات خواهم داد و آنها را پاک خواهم کرد. آنها قوم من خواهند بود و من خدای آنها خواهم بود.

بندهام داوود بر ایشان پادشاه خواهد بود و همگی یک شبان خواهند داشت. «و به آیه ۲۴ توجه کنید ایشان از قوانین من پیروی خواهند کرد و فرایض مرا به دقت نگاه خواهند داشت. ایشان در سرزمینی که به بندهام یعقوب دادم، سرزمینی که پدران آن زیستند، ساکن خواهند شد. ایشان و فرزندان و نوادگانشان تا ابد در آنجا خواهند زیست و بندهام داوود تا ابد فرمانروای ایشان خواهد بود. من با ایشان عهد صلح خواهم بست؛ این عهدی جاودان خواهد بود. ایشان را استوار خواهم ساخت و تعدادشان را افزایش خواهم داد و پناهگاه خود را تا ابد در میان ایشان قرار خواهم داد. مسکن من با ایشان خواهد بود. من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. آنگاه امت‌ها خواهند دانست که من یهوه، اسرائیل را مقدس می‌سازم، هنگامی که پناهگاه من تا ابد در میان «ایشان باشد»

همانطور که اشاره کردم، این دو پیشگویی را دارید. آلدرز معتقد است که این دو رویکرد «معنوی» آلدرز قبرهای شما را «پیشگویی نیز در بازگشت از تبعید تحقق یافته‌اند. او در صفحه ۲۰۰ در تفسیر آیه ۱۲ می‌گوید او می‌گوید: «خواهم گشود و شما را از آنها بیرون خواهم آورد. شما را به سرزمین اسرائیل باز خواهم گرداند

این وضعیتی است که آنها خود را در تبعید می‌بینند. خدا آنها را باز خواهد کرد و باعث خواهد شد که از آن «برخیزند و آنها را به سرزمین خود بازگرداند.» بنابراین قیر، تبعید است، «و هنگامی که این اتفاق بیفتد، آنها واقعاً خواهند دانست که او واقعاً قادر متعال است که آنچه را که طبق افکار انسانی غیرممکن است، به واقعیت تبدیل می‌کند.» بنابراین استخوان‌های خشک، بازگشت از تبعید هستند، زنده شدن پس از مرگ، گویی در قبر. دو عصا، آیات ۱۵ تا ۲۳، توجه کنید که او می‌گوید: «در آیات ۱۵ تا ۲۳، دو عصا به یک چیز اشاره دارند.» اما سپس اذعان می‌کند که این امر باعث ایجاد گسست در آیات ۲۴ تا ۲۸ می‌شود. ببینید، شما نمی‌توانید آیات ۲۴ تا ۲۸ را که در آنها به بندهام داوود اشاره شده و او پادشاه آنها خواهد بود، دنبال کنید. چگونه این را با بازگشت از تبعید تطبیق می‌دهید؟ بنابراین او می‌گوید که پیشگویی دوم، بازگشت از تبعید تا آیه ۲۳ است.

در مورد فصل ۳۷، آیات ۲۴ تا ۲۸، آلدز می‌گوید: «باید گفت که باید ارتباط بسیار ضعیفی بین آن و عمل نمادین دو چوب وجود داشته باشد.» او چند صفحه بعد می‌گوید: «برکات مسیح که در کلیسا است به زبان عهد عتیق به عنوان زندگی طبق فرامین خدا اعلام می‌شود، آیه ۲۴.» آنها در فرامین من سلوک خواهند کرد و با فرزندان و فرزندان فرزندان در سرزمین موعود برای همیشه زندگی خواهند کرد.» این آیه ۲۵ است. «بستن من با آنها پیمان صلح خواهم بست؛ این یک پیمان ابدی خواهد بود. من آنها را «پیمان ابدی نجات» یعنی ۲۶.» مستقر خواهم کرد و تعداد آنها را افزایش خواهم داد و پناهگاه خود را برای همیشه در میان آنها قرار خواهم داد. او همه این‌ها را به معنای معنوی توصیف کلیسا از نظر اقتصاد قدیمی می‌داند. او آیات ۲۴ تا ۲۸ را هیچ ارتباطی با بازگشت از تبعید نمی‌بیند، بلکه به معنای توصیفی، معنوی و نمادینی برای آنچه که ما در حال حاضر در کلیسا تجربه می‌کنیم، می‌داند.

به صفحه ۵۱ الیسون در نقل قول‌های خود. الیسون: بازگشت اسرائیل مدرن بله... اما هنوز به روح نیاز است نگاه کنید. او می‌گوید: «استخوان‌ها بسیار خشک بودند؛ بازگشت از تبعید، احیای واقعی زندگی ملی نبود. این بیشتر یک جامعه مذهبی است تا یک دولت ملی که در عزرا و نحیا با آن روبرو می‌شویم. هیچ زمانی، حتی در دوران کوتاه حکومت حشمونایی، ۱۴۰ تا ۶۳ قبل از میلاد، وجود نداشت که چیزی شبیه به اکثریت یهودا در فلسطین زندگی کند. تصادفی نبود که مردم به شمعون کاهن روی آوردند و او را به عنوان «کاهن اعظم برای همیشه» انتخاب کردند تا زمانی که یک پیامبر وفادار ظهور کند و همانطور که در اول مک گفته شده، بر آنها رهبری کند. ۱۴:۴۱، به جای اینکه به نوادگان ارشد و زنده خاندان داوود روی آورند. شما در دوران پس از تبعید، حاکمی بر تخت اسرائیل به عنوان یک ملت متحد از نسل داوود نداشتید. الگوی تعیین شده پس از تخریب معبد دوم، زمانی که می‌بینیم یهودیان پراکنده در دست خاخام‌ها هستند، آشکارتر شد. اگرچه وجود یهودیان همیشه سخت و تلخ بود، اما در سال ۱۸۷۹ با ظهور یهودستیزی در آلمان که به سرعت به روسیه و سپس در سراسر جهان گسترش یافت، فصلی حتی وحشتناکتر آغاز شد. درست در این دوره، ارتدکس سنتی به سرعت در حال

فروپاشی بود. و بنابراین یهودیت به شدت متزلزل شد، همانطور که از زمان تخریب معبد اول بی‌سابقه بود، اما از طریق این تکان بود که آگاهی جدیدی متولد شد. در عرض کمی بیش از ۷۰ سال، یک دولت یهودی مستقل برای اولین بار از سال ۶۳ قبل از میلاد وجود داشت. تنها چیزی که نیاز دارد روح خداست

الیسون ادامه می‌دهد: «به مهارتی که در توصیف کار خدا در آیات ۱۲ تا ۱۴ به کار رفته است توجه (روح، نفس، باد) استوار است. نفس و روح خدا باید بر آنها باشد تا بتوانند *ruach* کنید. این مهارت بر ابهام کلمه در آیه ۱۴ به سرزمین خود بازگردند. با این حال، اعطای حیات معنوی واقعی پس از بازگشت به سرزمین در آیه رخ می‌دهد. این ترتیب فصل ۳۶، آیات ۲۴-۲۸ نیز همین است. شما نمی‌توانید از توجه به تشابه بین آیه ۱۴ از ۱۲ روح خود را در شما خواهم نهاد و «فصل ۳۷ و آیه ۲۷ از فصل ۳۶ خودداری کنید. فصل ۳۷، آیه ۱۴ می‌گوید و روح خود را «حزقیال ۳۶:۲۷ می‌گوید.» شما زنده خواهید شد و شما را در سرزمین خودتان ساکن خواهم کرد باز هم «در شما خواهم نهاد و شما را به پیروی از فرامین من و مراقبت از حفظ قوانین من ترغیب خواهم کرد به نظر می‌رسد که در مورد همین موضوع صحبت می‌کند. شوک زلزله از اسرائیل عبور کرده است، و تا حدودی او به معنای آگاهانه ملی به سرزمین خود بازگشته است، اگرچه حداقل پنج برابر بیشتر از تعداد موجود در خارج از سرزمین وجود دارد. چه مدت طول خواهد کشید تا تحول معنوی در شورای خدا پنهان شود. ما هر دلیلی داریم که باور کنیم که اصلاً دور نیست. با این حال، باز هم دشوار است که ببینیم چگونه سخت‌ترین تمثیل‌ساز و روحانی‌ساز می‌تواند کلیسا را در اینجا پیدا کند. و همچنین نمی‌توان گروه‌های کوچک «اسرائیل» را که بدون شک در بازگشت از تبعید به یهودا پیوستند، به هیچ وجه تحقق یافته دانست. بنابراین آنچه الیسون می‌گوید این است که دشوار است که این متن را چیزی جز تحقق آینده بدانیم، زیرا با بازگشت از تبعید یا با وضعیت فعلی کلیسا مطابقت ندارد.

اکنون، اجازه دهید جان بی. تیلور را در صفحه 53. تیلور، حزقیال 36 - پادشاهی مسیحایی روزهای آخر دارد. او می‌گوید: InterVarsity از استنادهای شما به شما ارائه دهم. تیلور جلدی از مجموعه تفسیرهای تیندال از آیا این پیشگویی محقق شده است؟ تحقق پیشگویی سوالی است که همیشه باید پس از حل مسئله تفسیر صحیح، در " جایگاه دوم قرار گیرد. پس حزقیال چه می‌گوید؟ توضیحی که در فصل ۳۷، آیات ۲۱ تا ۲۸ داده شده، آینده‌نگرانه است «به آیات ۲۱ تا ۲۸ مراجعه کنید، به ویژه بخش پایانی آن، که از آیه ۲۴ شروع می‌شود، درباره داوود پادشاه صحبت می‌کند. تیلور می‌گوید: «این، پادشاهی مسیحایی ایده‌آل روزهای آخر را توصیف می‌کند. بنی اسرائیل از جایی که پراکنده شده‌اند، جمع خواهند شد (آیه ۲۱). (آنها در سرزمین خود اسکان داده خواهند شد، آنها یک پادشاهی تحت فرمان پادشاه داوود خواهند بود) آیات ۲۲ و ۲۴. (آنها دیگر بت‌پرستی نخواهند کرد. آنها از تمام آلودگی‌های خود پاک خواهند شد) آیه ۲۳. (آنها زندگی مطیعانه‌ای از خداوند خواهند داشت و از پیمانی ابدی با آنها لذت خواهند برد) آیات ۲۴ و ۲۶. (خداوند برای همیشه در میان آنها پناهگاهی برقرار خواهد کرد و

آنگاه خواهد دانست که من، خداوند، اسرائیل را تقدیس کرده‌ام (آیات ۲۶-۲۸). اکنون همه اینها زبان عصر طلایی است که اسرائیل به عنوان اوج وجود مذهبی ملی به آن چشم دوخته بود. هر گونه سؤالی در مورد تحقق باید به کل تصویری که ارائه شده است مربوط باشد، نه به ویژگی‌های جداگانه آن. پاسخ عهد جدید به این امید آینده اسرائیل «این است که این امر محقق شده است اما محقق نشده است».

الکساندر، من مطمئن نیستم که چگونه او الکساندر - کلیسا اکنون بسیاری از انتظارات را برآورده می‌کند سعی می‌کند همه اینها را با هم تطبیق دهد. او از تحقق جزئی اکنون و تحقق کامل بعداً صحبت می‌کند. این امر محقق شده است اما محقق نشده است». عصر طلایی در طلوع عیسی مسیح فرا رسیده است. تحقق آغاز شده است اما هنوز کامل نشده است. تجربه کلیسا نشان می‌دهد که بسیاری از انتظارات گذشته به واقعیت تبدیل شده‌اند. اما در آن صورت واقعیت‌ها تنها پیش‌زمینه‌ای از شادی کامل و نهایی مسیحایی هستند که قرار است بیاید. تفسیر بیش از حد تحت‌اللفظی از یکی از جنبه‌های این امید آینده، مانع از آن می‌شود که ببینیم پیامبر عمدتاً به آرمان وحدت در پادشاهی مسیحایی توجه دارد. این یک الگوی معنوی از اسرائیل آینده است که بر اساس سابقه تاریخی سلطنت متحد داوود که عصر طلایی گذشته بود، بنا شده است «حال، من مطمئن نیستم که منظور او از جمله آخر چیست. مطمئناً در اینجا بر وحدت ملت تأکید دارد، اما آیا به تعبیری، همانطور که او می‌گوید، «یک الگوی معنوی» است، به نوعی در کلیسا تحقق می‌یابد. اما آیا این دقیقاً همان چیزی است که در مورد آن صحبت می‌شود؟ من دوباره تمایل دارم فکر کنم که این را به عنوان پیشگویی از آنچه خدا قرار است در رابطه با رومیان 11 انجام دهد، در نظر می‌گیرم»: تمام اسرائیل نجات خواهد یافت «این همان کاری است که خدا قرار است انجام دهد».

جی. بی. پین - دیدگاه پیچیده (رویکرد تفرقه بینداز و حکومت کن)

می‌خواستم فقط به شما بگویم که جی. بارتون پین چه می‌کند، چون فکر می‌کنم این موضوع کمی پیچیده اما جالب می‌شود. من کمی از این موضوع را می‌دانم، اما به نوعی همه آن در نقل قول‌ها نیامده است، اما به صفحه ۵۲، در پایین صفحه، نقل قول‌های شما، از حزقیال ۳۷: ۱-۱۴ نگاه کنید، این رؤیای استخوان‌های خشک است. پین این را در بازگشت از تبعید تحقق یافته می‌بیند. شما اولین جمله را در زیر پین در صفحه ۵۲ می‌بینید: این استخوان‌ها زیر تمام خاندان اسرائیل: من قبرها را خواهم گشود 'به معنای رستاخیز فردی نیست، بلکه به «معنای رستاخیز ملی است». زیرا من شما را به سرزمین اسرائیل خواهم آورد 'به معنای پایان دادن به تبعید آنها در نبرد است «بنابراین پین می‌گوید رؤیای استخوان خشک، بازگشت از تبعید است».

وقتی به حزقیال ۱۵: ۳۷-۲۲ الف می‌روید، آن عبارت دو چوب را می‌بینید که می‌گوید: «من آنها را بر کوه‌های اسرائیل یک ملت خواهم ساخت» او این را به عنوان اتحاد ملت‌ها پس از بازگشت از تبعید می‌بیند. آیات الف، پاراگراف دوم آنجا، «عمل نمادین پیامبر را در متحد کردن دو کشور توصیف می‌کند. خداوند آیه ۲۲-۱۵

را توضیح می‌دهد: «من آنها را از کوه اسرائیل یک ملت خواهم ساخت.» تحقق این امر در دوره ۹ است، ۲۲ یعنی مشارکت عبرانیان از ده قبیله گمشده در احیای اسرائیل پس از تبعید «بنابراین دوباره حزقیال ۱۵: ۳۷-۲۲ الف به معنای بازگشت از تبعید است. آیات ۲۲ ب و ۲۴ می‌گوید: «آن یک پادشاه بر همه آنها پادشاه خواهد بود» و در اواسط آن از خود می‌پرسید که چگونه این با بازگشت از تبعید مطابقت دارد. اما ۲۲ ب و ۲۴ می‌گوید: «بنده من داوود بر آنها پادشاه خواهد شد.» بین می‌گوید که این اولین ظهور مسیح است.

به پاراگراف سوم در پایین صفحه ۵۲، زیر عنوان پین، مراجعه کنید: «برخی این را به عنوان یک پادشاه حاکم سیاسی می‌دانند، اشاره به آن می‌تواند در واقع هزاره باشد. اما هیچ مشخصه‌ای از پادشاهی سیاسی وجود ندارد، و مسیح هم چوپان خوب است، یوحنا ۱۰ و ۱۱، و هم یک پادشاه معنوی از عهد جدید به بعد. حزقیال در نتیجه حضور چوپان، «آنها نیز در احکام من سلوک خواهند کرد» در آمدن مسیح، چوپان به عنوان ۳۴: ۳۷ نسل داوود، از طریق نسل یهو پاکین و صدقیا در متی ۱ و لوقا ۳ تحقق می‌یابد. تحقق در ظهور اول مسیح، آیه ۲۳. ظهور اول مسیح بود و همچنین ۲۴. بازگشت از تبعید بود. ۲۲ سپس به جریان برمی‌گردید، می‌بینید که ۲۲ کاری «آنها دیگر خود را با بت‌ها و تصاویر زشت یا با هیچ یک از گناهانشان نجس نخواهند کرد»، اکنون ۲۳ که او انجام می‌دهد این است که در بازگشت از تبعید، بت‌پرستی را کنار می‌گذارد.

بنابراین در پین، بازگشت از تبعید تا ۲۲ الف را می‌بینید، سپس به ظهور اول مسیح در ۲۲ ب می‌رسید، سپس به بازگشت از تبعید در ۲۳ برمی‌گردید، جایی که آنها بت‌های خود را رها می‌کنند. حزقیال ۲۴: ۳۷ به ظهور اول مسیح می‌پردازد زیرا در آن آمده است: «بنده من داوود بر آنها پادشاه خواهد بود.» بنابراین به آیه ۲۵ الف می‌رسیم و «آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب داده‌ام، که پدران شما در آن ساکن بوده‌اند، ساکن خواهند شد.» پین در ۲۵ الف تحقق را در اورشلیم جدید می‌بیند. بنابراین به آینده، در واقع به وضعیت ابدی، اورشلیم جدید، آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب دادم، سرزمینی که پدران شما در آن زندگی می‌کردند، «حرکت می‌کنید در آیه ۲۵.» زندگی خواهند کرد. آنها و فرزندان و فرزندان فرزندان برای همیشه در آنجا زندگی خواهند کرد ب، آخرین عبارت این است: «و بنده من داوود برای همیشه فرمانروا خواهد بود»، جایی که او یک تحقق مداوم را می‌بیند. ظهور اول، تحقق را آغاز می‌کند، اما همانطور که در ۲۵ ب می‌بینید، تا ابد ادامه می‌یابد. آیه ۲۶ این من با ایشان عهد صلح خواهم بست؛ این عهدی جاودان خواهد بود. ایشان را استوار خواهم ساخت و بر «است او تحقق هزاره را می‌بیند. آن عهد «تعدادشان خواهم افزود و معبد خود را تا ابد در میان ایشان قرار خواهم داد صلح، اساس پادشاهی آینده مسیح و تحقق هزاره است. سپس آیات ۲۶ ب-۲۸ از معبد سخن می‌گوید: «من معبد خود را تا ابد در میان ایشان خواهم گذاشت، خیمه من با ایشان خواهد بود.» او آن را به عنوان یک معبد هزاره می‌بیند. پین می‌گوید: «اثبات الهیاتی که این بنا از طریق نمادگرایی منتقل می‌کند، تا اورشلیم جدید ادامه می‌یابد و به طور خاص، اثبات خیمه خدا و مسیح است، اگرچه در آن زمان دیگر ساختار فیزیکی معابد وجود نخواهد داشت. بنابراین او معبد هزاره را در آن محراب آیات ۲۶ تا ۲۸ می‌بیند. اگرچه می‌توانم در اینجا بگویم که او آن

را با معبد رؤیای حزقیال در فصل ۴۰ و پس از آن مرتبط نمی‌داند. او آن را چیز دیگری می‌داند، اگرچه او یک «معبد هزاره را طرح می‌کند، اما فکر نمی‌کند که حزقیال ۴۰ آن معبد خاص را توصیف کند

حالا می‌بینید که بین پیشنهادهای بسیار جالبی در مورد تحقق ویژگی‌های مختلف این پیشگویی دارد، اما این او را مجبور می‌کند که آن را تکه‌تکه کند. در اینجا بازگشت شما از تبعید، سپس ظهور اول، سپس بازگشت به بازگشت از تبعید، سپس او به جلو و به دولت آینده و بازگشت به هزاره پرش می‌کند. به نظر من، این نوع رویکرد به تفسیر، حق مطلب را در مورد جریان و پیوستگی متن ادا نمی‌کند. این متن بیش از حد به واحدهای جداگانه‌ای تقسیم شده است که ارتباط کمی با آنچه قبل یا بعد از آن آمده است، دارند یا اصلاً هیچ ارتباطی ندارند. به نظر من این روش، روش مشروعی برای تفسیر پیشگویی نیست. این انسجام در تلاش برای تفسیر یک متن مهم است، همانطور که جریان مهم است، اما رویکرد بین آن را از بین می‌برد. بنابراین، شما با این سوال مواجه می‌شوید که آیا تحقق پیشگویی را پیدا می‌کنید، زیرا بازگشت از تبعید حق مطلب را در مورد آیه ۲۴ و آیات بعدی ادا نمی‌کند. تلاش برای روحانی کردن آن، برای یافتن تحقق در کلیسای کاتولیک، فکر نمی‌کنم حق مطلب را در مورد الزامات آیات ۲۲ تا ۲۸ که می‌گوید: «من آنها را در سرزمین یک ملت خواهم ساخت» ادا کند. بنابراین، دوباره، به نظر می‌رسد تحقق آینده‌ای که شامل اسرائیل به عنوان یک ملت می‌شود - اسرائیل در سرزمین به عنوان یک ملت - مورد نیاز است.

رونویسی توسط میشل لی

،راف، ویرایش توسط تد هیلدبرانت

ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس، روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس